

پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب است!

دینالدین: الحاج محمد شاه (پیمان) سویدن



Ketabton.com

۱۳۹۷



www.masjed.se

تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم
**پرسیدن عیب نیست،
ولی ندانستن عیب است!**

به طور عام معمول است که پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب است! اما شناخت من به این مسأله چنین است که ندانستن هم در امکانات موجود عیب است اگر ما از دین خود از اعتقادات شرعی خویش و اساس باور های خویش آگاهی متناسب نداشته باشیم. کسب علم و فهم درست دینی و امور شرعی از جمله مباحث حلال و حرام وجبیه دینی هر شخص مسلمان است، و کسب این دانش، بر علاوه آن سبب مسرت و یافتن راه درست می‌گردد. بلی جای شک نیست که سؤال کردن و شنیدن و یا فهمیدن سؤال و جواب آن حق هر انسان است. این حق را قرآن عظیم‌الشان با جملات زیبا و معجزه آسای خویش چنین بیان و فورمولبندی نموده است: «**فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**» (سوره النحل: آیه 43) (از اهل علم و اهل دانش سؤال بعمل آرید درباره آنچه را که نمی دانید) (تعلیمات قرآنی با تمام وضاحت و صراحت بیان فرموده است که انسانها (اعم از مسلمانان و غیر مسلمان) حق دارند، تا غرض کسب علم و دانش در عرصه های مختلفی زندگی از جمله مسایل سیاسی، عقیدتی، اجتماعی، اخلاقی از خُبرا، علماء و مسئولین فن سؤال و استفسار بعمل آرند. ولی نباید فراموش کرد که: سوالات انحرافی که به منظور تخریب اذهان اعتقادی جامعه باشد و سوالاتی که افکار عمومی جامعه را به گمراهی و ضلالت سوق دهد، از این قاعده مستثنی است. قاعده طرح سوالات که در بخش اکادمیک مطرح شدنش بهتر با طرح سوالات در مراجع عام نیز متفاوت است.

پرداختن به سوالات بدون دانش ابتدایی در بخش از مسایل ابتدایی و پافشاری بران نیز قابل مکت و دقت اند. بناً بخش از برداشت های اصح و حکم شرعی اصح چنین است که سوالاتی که خاصتاً در مسایل اعتقادی و بدون دانش ابتدایی از موارد مقدماتی آن که موجب شر و فساد در یک جامعه خاصتاً در بین عوام الناس شود، شرع اسلامی از آن ممانعت مطلق وجدی بعمل آورده است. قرآن عظیم‌الشان (در آیه 101 سوره المائده) مثال واضح را در این باب با زیبایی خاصی بیان نموده و میفرماید: «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلَ الْقُرْآنُ تُبَدَّ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ**» (ای کسانی که ایمان آورده اید! از زیاد سؤال کردن جلوگیری بعمل آرید، زیرا ندانستن همه چیز گاهی به ضرر و زیان شما تمام می‌شود و یا ذهن و وجود انسان طاقت و ظرفیت دانستن اسرار آفرینش و هستی را ندارد). مفسرین می نویسند که آیه «**لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ...**» زمانی نازل شد که آیه «**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ**» نازل گردید، برخی از اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم از فحوای این آیه مبارک طوری تعبیر و تفسیر نمودند که اجل پیامبر صلی الله علیه وسلم قریب است، لذا با عجله سوالاتی پی در پی را درباره مسایلی مطرح نمودند، وقت وقوع این حوادث قبل از وقت بود. رسول الله صلی الله علیه وسلم ترسید که این پرسشها و استفسارها مبادا باعث نزول احکام و ایجاد تکالیف فراوان و باعث در دسر آنان خواهد

شد، بناً آنان را از سوال کردن و پرس و فال همچو سوالات منع داشت، طوری که حکم آسمانی نیز در این بابت نزول یافت و به لفظ « **لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ...** » تاکید بعمل آمد. ولی باید گفت که به هیچ صورت این آیه متبرکه مانع سوالات منطقی و آموزنده و سازنده نبوده و نمی باشد، بلکه ممانعت مربوط به سوالات نابجا و جستجو از اموری است که نه تنها مورد نیاز نیست، بلکه مکتوم ماندن آنها بهتر و حتی گاهی لازم هم است. (از جمله پرسیدن از عیوب دیگران اوضاع و احوال مردگان و سرنوشت دوباره آنها، نوع از برپای قیامت، و حتی برخی از مفسرین می فرمایند که مخفی ساختن مریضی سخت و خطرناک کوشنده از مریض و یا هم سرنوشت مستقبل ما انسانها و غیره ...).

باید گفت که صداقت خوب است؛ ولی به یاد داشته باشیم که صراحت، همه جا و در هر مورد و برای هر کس مفید هم نیست. حتمی نیست تمام آنچه از خطرات را که مثلاً قومندان فرقه میداند تمام سربازان آن آگاهی حاصل نمایند.

مفسر شهیر جهان اسلام حضرت ابن عباس، و حضرت ابوهریره و حسن بصری و قتاده و طاووس و سدی در شان نزول (آیه 101 سوره المائده) می فرمایند: شخصی بنام عبدالله از رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید که: یا رسول الله پدر من کیست؟ و این مرد از افرادی بود که دارای حسب و نسب صحیحی نبود و از این حیث مورد طعن و سرزنش مردم قرار داشت. پیامبر صلی الله علیه وسلم در جوابش فرمود: پدر تو حذافه است سپس این آیه نازل گردید. این روایت در صحیح بخاری از انس بن مالک نیز روایت شده است. مفاهیم عالی که از آیه متبرکه بدست می آید این فهم را برای ما میرساند که: دانستن هر چیزی، نه لازم است و نه مفید، بلکه ما باید به تعقیب آنچه از موضوعات علمی باشیم که فهم و دانستن آن برای ما و مجتمع ما مفید و موثر باشد.

بنآنچه کاوی های خرد و ریزه در برخی از احکام دینی، بدون معلومات دقیق و مسلکی در مورد احکام قرآنی و احادیث نبوی، جز دشوار کردن دین و سنگین کردن بار تکلیف نتیجه دیگری را ببار نخواهد آورد.

مفسرین برای توضیح بیشتر (آیه 67 سوره بقره) مثال آورده و مینویسند: در زمان حضرت موسی علیه السلام در قوم بنی اسرائیل قتلی به وقوع پیوست، و یک نفر از بنی اسرائیل به طرز مرموزی یکتن را بقتل رسانید، از اینکه قاتل نا معلوم حادثه سبب آن شد تا در بین قبایل اسباط بنی اسرائیل نزاع شدید برآه افتد، هر یک آن را به طایفه و افراد قبیله دیگر نسبت می دادند و قوم و قبیله متعلق خویش را از قتل تبرئه میگردند، بناً رهبران قبایل مختلف برای حل و فصل این قضیه و ختم خصومت های قومی نزد حضرت موسی رفتند تا حل مشکل را از وی طلب شوند. زیر حل این قضیه از طریق عادی غیر ممکن به نظر می رسید، و از جانب دیگر ادامه این کشمکش ها و اختلافات قومی منجر به فتنه عظیمی در میان بنی اسرائیل میگردد، حضرت موسی علیه و السلام با استمداد از لطف پروردگار خواستار حل مشکل میگردد.

قرآن عظیم الشان میفرماید: « **وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقْرَةً قَالُوا أَ تَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ** » (و به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می فرماید، ماده گاوی را ذبح کنید (و قطعه ای از بدن) آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید، که به این ترتیب مقتول به

امر الهی به گپ زدن میاید و قاتل خویش را معرفی کند و به این ترتیب فتنه خاموش گردد.)»

قوم به حضرت موسی گفتند: «آیا ما را مسخره می‌کنی؟» (موسی علیه السلام) در جواب شان گفت: «به خدا پناه می‌برم از اینکه از جاهلان باشم!» یعنی مسخره کردن کار جاهلان است و من به خدا پناه می‌برم که از جاهلان باشم. «**أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ**»

در این داستان به وضاحت تام در می‌یابیم که حضرت موسی (ع) بعد از حادثه قتل و بمنظور پیدا کردن قاتل و ختم نزاع و خانه جنگی قومی در بین قبایل مختلف به بنی اسرائیل در حادثه متذکره امر فرمودند که بروید به اساس حکم پروردگار گوساله‌ای را قربانی کنید و ... ، اگر واقعاً مردم هدایت و دستور پیامبر خویش را می‌شنیدند ، و خود را از فتنه نجات می‌دادند ، باید از امر الهی و پیامبر خویش اطاعت می‌نمودند و به قربانی و ذبح یک گوساله‌ای بدون چون و چرا اقدام میکردند ، که در آن صورت مشکل موجود بین شان حل میشد، و قوم به سرگردانی زیاد و بیمورد مواجه نمی‌شد ، ولی دیده شد که طرح سوالات بیمورد قوم را چگونه به سرگرانی ها بی مورد مواجه ساخت ، و در نهایت کار را بر خود و حل مشکل قومی خویش دشوار ساخت .

قوم بنی اسرائیل پرسیدند: این گوساله نر باشد یا ماده، این گوساله چاق باشد یا لاغر ، این گوساله دارایی چه رنگی باشد ، در میان کدام گله از گوساله ها باشد و ... ، پس این قوم مجبور شدند دنبال چنین گوساله‌ای با این مشخصات سرگردان و لالهند بگردند.

خواننده محترم !

همچنان در برخی از اوقات دایره برخی از سوالات در مستوی مطرح بحث می‌یابد که درک و فهم این سوال از فهم علمی سوال کننده و بدون فهم مراحل و پله های اولی کسب معرفت بوده و توان جذب و اخذ را برای آخذه سوال کننده مشکل، در موارد گمراه کننده و یا حتی ناممکن میسازد. در این مورد فهم و دستور العمل شرع همین است : که آنچه از سوالات که از عقل شما و از فهم علمی و از درک آن عاجز می‌باشید ، همچو سوالات را اصولاً نباید مطرح کرد .

مفسرین در این بابت (آیه 85 سوره الإسراء) را برای توضیح بیشتری مثال می‌آورند: «**وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا**» (و در باره روح از تو می‌پرسند، بگو: روح از امر و فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.)

ملاحظه خواهید فرمود که در این آیه یکبار دیگر از سؤال کردن بی‌مورد، بی‌جا و بی‌فایده و خارج از مستوی علمی منع بعمل آمده و تاکید شده که : در مطرح کردن همچو سوالات انسان خود را به زحمت و تشویش های بی مورد و اضطراب مواجه می‌سازد بهترین راه و وسیله حکمیانه برای انسان اینست که :

انسان به علم ، تحقیق و مطالعه مراجعه نماید ، برای خود سوالاتی را مطرح و در یافت جوابات صحیح، کسب علم نموده و مرتبه و منزلت خویش را در جامعه ارتقاء دهد. قابل توجه در این است که انسان کوشش بعمل آرد تا ذهن نیز ، مانند سایر قوا و استعدادهایش ، تحت فرمان و کنترل اش قرار گیرد، و در مسیر سالم سوق داده شود .

مؤرخین و سیرت نویسان می نویسند که :

در زمان رسول الله صلی اله علیه وسلم ، تعداد از صحابه از رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره اینکه قیامت چه وقت بر پا میگردد ، سوالات متعددی را بعمل می آورند جواب و توضیحات همیشگی رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان منطق قرآنی بود و در جواب آن می فرمود: **«يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا»** (سوره الأحزاب: آیه 63) ((ای پیغمبر!) مردم از تو درباره برپا شدن قیامت می پرسند، بگو: آگاهی از آن، اختصاص به الله دارد و بس. (و کسی جز او از این موضوع مطلع نیست). تو چه می دانی، شاید هم فرا رسیدن قیامت نزدیک باشد.) **«يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا * فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا * إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا»**

(سوره النازعات: آیات : 42 – 44) (از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ تو را چه آگهی و خبر از آن؟! (تو چیزی از آن نمی دانی) آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می گردد (و اطلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است ؛ نه تو).

همچنان در حدیث که آنرا حضرت آبی هریره رضی الله روایت فرموده آمده است:
« خطبنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فقال : «أيهما الناس قد فرض الله عليكم الحج فحجوا» ، فقال رجل : « أكل عام يا رسول الله ؟ » فسكت ، حتى قالها ثلاثا ، فقال رسول الله صلی الله علیه وسلم : (لو قلت نعم لوجبت ، ولما استطعتم) ثم قال : (ذروني ما تركتكم ؛ فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم ، واختلافهم على أنبيائهم ، فإذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم ، وإذا نهيتكم عن شيء فدعوه) .

در یکی از روز ها پیامبر صلی الله علیه وسلم در باره فرضیت حج برای صحابه خطبه ارائه داشت درحین خطبه یکی از صحابه از رسول الله صلی علیه وسلم سؤالی بعمل آورد وگفت: یا رسول الله : آیا فرضیت حج بالای مسلمانان در هر سال می باشد و یا خیر ؟ او در جوابش فرمود که شرعیت کم کردن تکلیف را میخواند . **« (لو قلت نعم لوجبت ، ولما استطعتم) ثم قال : (ذروني ما تركتكم ؛ فإنما هلك من كان قبلكم بكثرة سؤالهم ، واختلافهم على أنبيائهم ، »**

اگر میگفتم که بلی پس فرضیت حج بالای مسلمانان همه ساله بود ، تا وقتی که من به شما وضاحت نه کنم پس شما هم از من طلب واضح نمودن آنرا نکنید زیرا مردمان قبل از شما به سبب مطرح کردن سوالات زیاد از پیامبران شان هلاک شده بودند .
همچنان در حدیثی دیگری که زکری آن در بخاری و مسلم به روایت سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه است آمده است :

«إِنَّ أَعْظَمَ الْمَسْئَلِ فِي الْمُسْلِمِينَ جَرْمًا مَن سَأَلَ عَن شَيْءٍ لَمْ يُحَرِّمْ عَلَى الْمَسْلُومِينَ، فَحَرَّمَ عَلَيْهِمْ مِنْ أَجْلِ مَسْأَلَتِهِ! إِنْ اللَّهُ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَضِيعُوا هَا وَحُدُودَ آ فَلَا تَعْتَدُوا هَا حَرَامَ أَشْيَاءٍ فَلَا تَنْتَهِكُوا هَا وَسَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ رَحِمَهُ لَكُمْ مِنْ غَيْرِ نَسِيَانٍ فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا»
(متفق علیه) روایت احمد بخار و مسلم ابو داود

مسلمانان متخلف و گنهکار کسی است در باره آن چیز سوال کند که بالای مسلمان حرام نبود ولی بخاطر سوال نمودن او بالای شان حرام شد الله تعالی فرایضی را مقرر کرده پس انرا ضایع نکنید و حدود را تعیین نموده از ان تجاوز نکنید و چیز های را حرام کرده

انرا اشکار نموده و از چیز های خاموش اختیار نموده ، به سبب مهربانی نه به این سبب که انرا فراموش نموده پس در آن دیگر بحث نکنید(این در وقت آمدن احکام بود و حال خو آنزمان نیست) .

و همچنان در حدیثی دیگری آمده است: **«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ صَخْرٍ (رض) قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ: «مَا نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَأَجْتَبُوهُ وَمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ فافْعَلُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَثْرَةُ مَسَائِلِهِمْ، وَاخْتِلَافُهُمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ» رَوَاهُ الْبُخَارِيُّ (حدیث شماره :)، وَمُسَلِّمٌ (شماره : ۱۳۳۷) .**

در حدیثی دیگر از ابو هریره عبدالرحمن بن صخر(رض) روایت است که شنیدم رسول الله(صلی الله علیه وسلم) می فرمایند: «از چیزی که شما را نهی کردم از آن دوری کنید، و آنچه را که به شما فرمان دادم هر قدر از آن را که می توانید انجام دهید، زیرا مردمانی که پیش از شما بودند به علت مطرح کردن سؤالات و پرسش متعدد آنها ، و مخالفت شان با پیامبران خویش به هلاکت رسیدند» . صحیح بخاری حدیث شماره (۷۲۸۸) و صحیح مسلم حدیث شماره (۱۳۳۷) .

هكذا در حدیثی دیگری آمده است: **«ان الله حرم ثلاثا و نهی عن ثلاث حرم عقوق الوالد و وأد البنات و لا وهات و نهی عن ثلاث قیل و قال و كثرة السؤال واضاعة المال»** همانا الله تعالی سه چیز را حرام و از سه چیز نهی کرده : نافرمانی پدر و زنده به گور کردن دختر و بی حکمتی را حرام کرده و از قیل و قال (اختلاف) و زیاد سوال کردن و ضایع کردن مال نهی کرده است.(مسلم) .

خواننده محترم !

طوری که در فوق هم یادآور شدیم ، در این هیچ جای شک نیست که سؤال کردن بمتابه کلید گنجینه علوم و دانشهای بشری بشمار میرود و طوری که گفتیم پرسیدن عیب نیست، ولی ندانستن عیب شمرده میشود ! ولی هدف کلی احکام قرآنی و احادیثی نبوی اینست که سؤالات زیاد در برخی از موارد فایده ای را ببار نمی آورد ، و از فحواى آیات قرآنی و احادیثی نبوی طوری می فهمیم که زیاد سؤال کردن در اسلام موجب سرگرانی و در زیاتری از موارد ضلالت انسانها گردیده و این روش مورد پسند انبیا و پیامبر صلی الله علیه وسلم نمی باشد ، بهتر است مسلمان بجای پرسیدن سؤالاتی که دردی را دوا نمی کنند بدنبال اوامر و نواهی الله تعالی باشند تا با علم بدانها برای خود کسب نیکی و دفع گناه و معصیت نماید .

و مطمئنا کسی که بر خلاف ارشاد پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل نماید به منفعت دست نمی یابد بلکه خیر و برکت در تمسک جستن به کتاب الله و سنت رسول الله صلی علیه وسلم می باشد .

والله اعلم بالصواب

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**